

بررسی آرایه تلمیح

در ادبیات فارسی دوم دبیرستان

محمد مرادی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و دبیر ناحیه دو همدان

چکیده

در این مقاله یکی از مثال‌هایی که برای آرایه تلمیح در مبحث «بیاموزیم» درس اول ادبیات سال دوم دبیرستان به کار رفته است، مطرح می‌گردد. بعد از آن، درباره چند اصطلاح ادبی مانند تضمین، اقتباس، عقد و ترجمه که به تلمیح شباهت دارند، توضیح داده می‌شود و وجه شباهت و اختلاف آن‌ها مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. در پایان نیز نتیجه‌گیری می‌شود که مثال ذکر شده در کتاب درسی با تلمیح تناسب ندارد بلکه باید آن را در مقوله تضمین قرار داد.

کلیدواژه‌ها: اقتباس، تضمین، عقد، ترجمه، تلمیح

مقدمه

اگر کتب مختلف رشته زبان و ادبیات فارسی را با دقت بیشتری ارزیابی کنیم، درمی‌یابیم که هر کدام از آن‌ها اشکالات، ابهامات و حتی تناقضاتی دارند که بدون شک، تأثیر ناگواری در روند تدریس می‌گذارد. وجود این اشکالات از یک‌سو سردرگمی معلمان محترم را به دنبال

دارد و از سوی دیگر، باعث بی‌زاری و دل‌زدگی دانش‌آموزان از کتب درسی می‌شود. البته اختلاف سلیقه در بین صاحب‌نظران در به‌وجود آمدن چنین مشکلاتی بی‌تأثیر نیست ولی هر چه از این نواقص کاسته شود، روند تدریس و جذابیت زبان و ادبیات فارسی افزایش می‌یابد.

حقیر در طول چندین سال تدریس، با تعداد زیادی از این ابهامات و اشکالات مواجه شده است که هر کدام به سهم خود در کم رنگ شدن اعتبار و ارزش کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی مؤثر بوده‌اند. این اشکالات در کتب درسی کمتر است و در کتاب‌های کمک درسی به‌وفور یافت می‌شود. در واقع، بسیاری

از آن کتاب‌ها با دادن نشانی اشتباه، دانش‌آموزان را به چالش می‌کشاند؛ مثلاً در یکی از آن‌ها ترکیب «همای رحمت» اضافه تشبیهی بیان محسوب شده است؛ در حالی که اضافه سمبلیک است و یا در یکی از کتاب‌های بسیار معتبر و بین‌المللی، به تبعیت از معانی کتاب درسی، ترکیب «گنج فریدون» در کتاب زبان و ادبیات سال چهارم، ایهام به حساب آمده است؛ در حالی که در اشعار شاعران هم عصر منوچهری آرایه ایهام وجود ندارد و اگر وجود هم داشته باشد، معنای دوم آن - که گنج منسوب به فریدون است - در بیت کاربرد معنایی ندارد.

اگر بخواهیم همه ابهامات و مشکلات کتب درسی را بازگو کنیم، بدون شک در یک مقاله امکان‌پذیر نیست. بر این اساس، در این مقاله فقط یکی از مثال‌هایی که در کتاب ادبیات سال دوم دبیرستان به‌طور نادرست در رابطه با تلمیح به کار رفته است، بررسی می‌شود و چند آرایه ادبی که به نوعی در این زمینه با هم شباهت دارند، از کتب مختلف بیان می‌گردد و پس از

استدلال‌های مختلف، نتیجه‌گیری می‌شود که مثال کتاب برای آرایه تلمیح، هیچ‌گونه تناسبی با آن ندارد و همخوانی آن با آرایه تضمین بیشتر است.

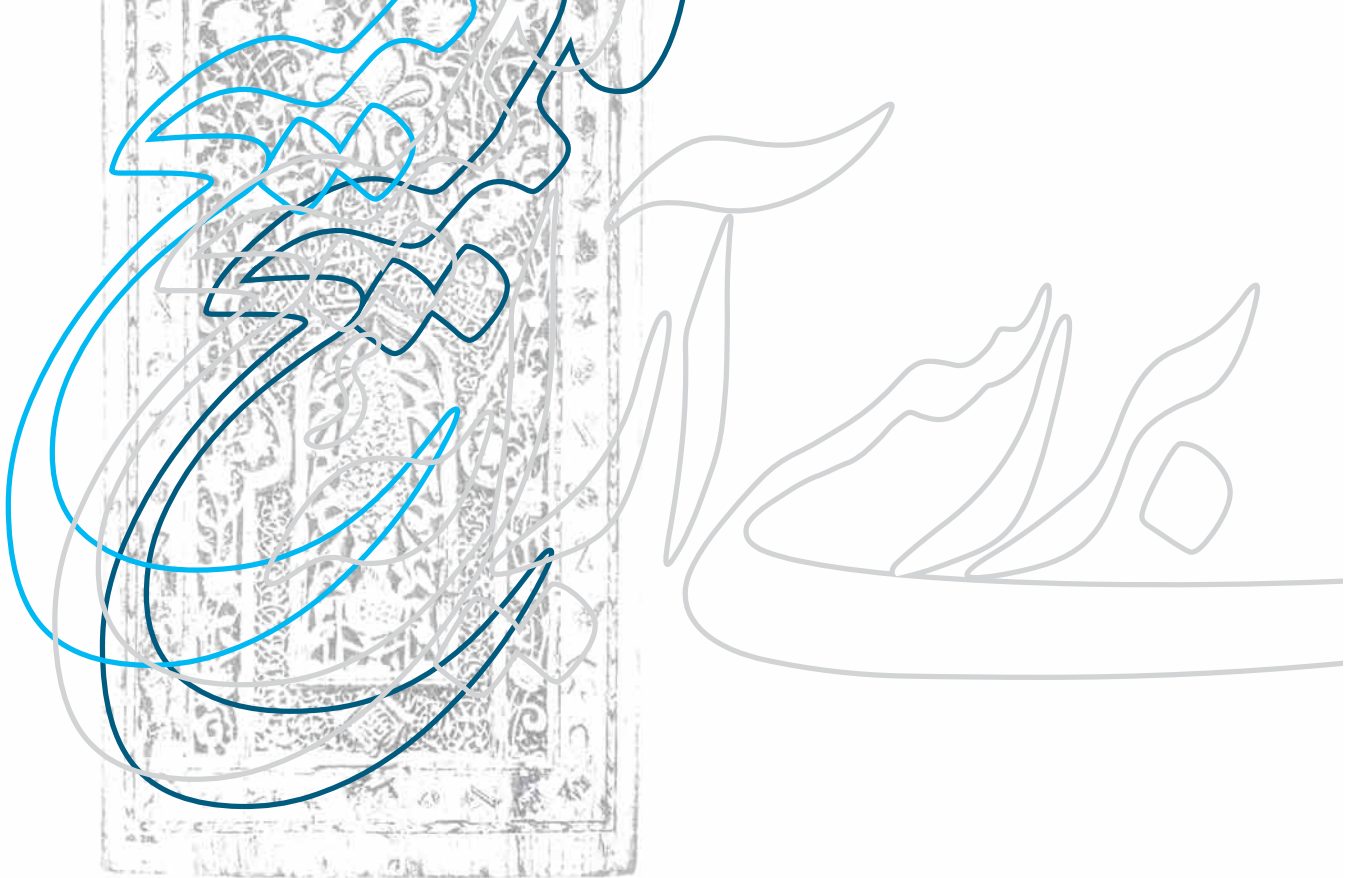
در کتاب ادبیات فارسی سال دوم دبیرستان - بیاموزیم درس اول - آرایه تلمیح توضیح داده شده و در بین مثال‌های مربوط به آن، بیت زیر هم ذکر شده است:

چنین گفت پیغمبر راست گوی

ز گهواره تا گور دانش بجوی

با توجه به نظر کتاب، مصراع دوم به حدیث «اطلب العلم من المهد الی اللحد» از پیامبر بزرگوار اسلام اشاره کرده است.

**مثال ذکر شده
درباره آرایه تلمیح
صدق نمی‌کند؛ چون
شاعر، هم‌نام صاحب
حدیث - پیامبر
بزرگوار را ذکر کرده
و هم کل حدیث به
صورت ترجمه فارسی
در مصراع دوم بیان
شده است**



نگارنده بر این عقیده است که مثال ذکر شده دربارهٔ آرایهٔ تلمیح صدق نمی‌کند؛ چون شاعر، هم‌نام صاحب حدیث- پیامبر بزرگوار را ذکر کرده و هم کل حدیث به‌صورت ترجمهٔ فارسی در مصراع دوم بیان شده است.

بنابراین، بهتر است مثال مزبور را به عنوان مثالی برای آرایهٔ تضمین بیان کنیم؛ اگر چه بنا به دلایلی که در این مقاله مطرح می‌شود، مثال یاد شده با تضمین نیز همخوانی ندارد و همخوانی آن با عقد بیشتر است.

در این مقاله برای استدلال دربارهٔ این موضوع، چند اصطلاح ادبی را که با آرایهٔ تلمیح قرابت دارند، بازگو می‌کنیم تا ابهام موجود در این زمینه بیشتر نمایان شود.

تضمین، اقتباس، عقد، ترجمه، تلمیح

متأسفانه در بیشتر کتب معتبر بدیع - که حقیر مطالعه نموده است - به‌غیر از تلمیح و تا حدودی تضمین، دربارهٔ اصطلاحات یاد شده سخنی به میان نیامده و تنها کتابی که دربارهٔ آن‌ها توضیح داده، کتاب «جواهرالبلاغه» است که در آن این اصطلاحات ادبی این‌گونه تعریف شده‌اند:

تضمین: این است که شاعر چیزی از شعر مشهور دیگران را در سخنان خویش جای دهد و تذکر دهد که شعر از کیست؛ مگر اینکه شعر خیلی مشهور باشد که نیاز به ذکر شاعر آن نباشد. (احمدالهاشمی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۳۷۲). در این تعریف، برخلاف کتاب آرایه‌های ادبی دبیرستان، از کاربرد آیه و حدیث در ضمن نوشته سخنی به میان نیامده است.

اقتباس: اگر گوینده در نثر یا شعرش چیزی از قرآن یا حدیث بگنجاند؛ به گونه‌ای که اعلان نکند از قرآن یا حدیث است (همان: ۳۶۷). در این تعریف برعکس تضمین سخنی از کاربرد شعر دیگران از سوی نویسنده نیست بلکه کاربرد آیه و حدیث

مورد توجه قرار دارد.

لسان‌الغیب برای زینت بخشیدن به شعر خود، مصراع دوم را به عنوان اقتباس چنین بیان می‌کند:

بود آن لیلۀ پر ارج و پر اجر
سلامّ هی حتی مطلع‌الفجر

استاد همایی در کتاب خود دربارهٔ تضمین توضیحی نداده ولی دربارهٔ موضوع اقتباس در مبحث **سرفات ادبی** گفته است که آن حدیثی، یا آیه و متنی از قرآن مجید است که در نظم و نثر بیاید و معلوم شود که به قصد سرقت و انتحال نبوده است (همایی، ۱۳۷۳: ۳۸۴). در این کتاب بیست زیر به عنوان مثال اقتباس از سعدی نقل شده است:

احمدالله تعالی که علی‌رغم حسود

خیل باز آمد و خیرش به نواصی معقود

که مصراع دوم برگرفته از مثل «الخیر معقود بنواصی الخیل» می‌باشد؛ چنان‌که ملاحظه می‌کنید، این مصراع با مثال کتاب درسی شباهت زیادی دارد ولی به‌جای حدیث، مثل به‌کار رفته است.

عقد: اگر شاعر سخن منشور - **چه قرآن و چه غیر قرآن** - را در شعر خود بیان کند به آن عقد می‌گویند (احمدالهاشمی، ج ۲: ۳۷۶). در عقد، شاعر قصد دارد سخن منشور را در شعر خود به‌کار ببرد و ضمن کاربرد آن، مانند تضمین، نام صاحب نثر را بازگو کند. در تضمین، کاربرد شعر در شعر اما در عقد کاربرد نثر در شعر است. برای مثال، استاد حسن‌زاده آملی در شعر خود ضمن ذکر حدیث نام خالق آن را بیان می‌کند:

به ورع کوش زان که شاه‌امین

گفته است: «الورع ملاک‌الدین»

(احمدالهاشمی، ۱۳۸۳: ۳۷۸)

ادامهٔ مطلب در وبگاه مجله